

بررسی مشکلات و تنگناها در مورد تجدید ساختار بازار

برق

علیرضا علیقلی زاده

برق منطقه ای تهران

Aligholizadeh2001@yahoo.com

چکیده

شاید نتوان کشوری را یافت که متاثر از موج تحولات یک دهه اخیر صنعت برق نباشد. این تحولات در قالب بحث تجدید ساختار باعث شفافیت و تفکیک وظایف بخشهای مختلف گردیده که به تدریج باعث ایجاد بازار برق در سطح عمده فروشی و به دنبال آن در سطح خرده فروشی شده است. موفقیت این برنامه‌ها متاثر از عوامل مختلفی نظیر اجرای صحیح برنامه‌های تجدید ساختار، تقویت نتایج تجدید ساختار با اجرای برنامه خصوصی‌سازی در صنعت برق می باشد. در این میان اجرای برنامه آزادسازی به موقع مشترکین، پیشگیری از شکل گیری پدیده قدرت بازار، باز بینی منظم بازار، ایجاد فضایی منصفانه برای دستیابی همه علاقمندان به فعالیت در صنعت برق، تدوین تعرفه خدمات انتقال و توزیع، تعریف خدمات پشتیبان و تدوین تعرفه متناسب برای آنها و... از جمله مطالب مهمی هستند که اهمیت بسزایی در موفقیت یا شکست برنامه تجدید ساختار و

بازار برق دارند. این مقاله به تشریح ابعاد مختلف این مسئله پرداخته است.

واژه های کلیدی: بررسی مشکلات و تنگناها، تجدید ساختار برق،

(۱) مقدمه:

تلاش برای تحقق بخشیدن به تئوری های اقتصادی و تشکیل آرمان شهر بازار رقابت کامل اگر چه (به شکل کامل) هیچ گاه از لای صفحات و متون اقتصادی فراتر نرفته اما این حسن بزرگ را داشته که بهبود قابل توجهی در سامان دهی به بازار را باعث شود. گر چه صنعت برق در ابتدا و با احداث واحدهای کوچک و خصوصی تولید برق حیات خود را آغاز کرد اما به تدریج و با درک اهمیت این صنعت روند دولتی شدن (و بنابراین انحصاری شدن) آن آغاز شد. بنابراین صنعت برق به عنوان یک صنعت یکپارچه و کاملاً انحصاری در اذهان شکل گرفت که هر کسی توان ورود به این عرصه و انجام فعالیت در آن را نداشت. با همین ذهنیت بود که دولت ها (به طور عام)

کنترل صنعت برق را در دست گرفتند. به تدریج و با بروز مشکلاتی در اداره دولتی صنعت برق، همانند ناتوانی دولت در تامین مالی مناسب برای این صنعت، ناکارایی سرمایه گذاری و بهره برداری و... این سؤال شکل گرفت که به چه نحوی می توان از پتانسیل بخش خصوصی در این صنعت استفاده کرد؟ پاسخ به این سؤال همزاد شکستن ائتلاف عمودی این صنعت و ورود تدریجی بخش خصوصی به حوزه های مختلف فعالیت آن است. اولین نتایج این موضوع تفکیک بخشهای تولید، شبکه و عرضه بود. بنابراین با تفکیک انجام شده این امکان فراهم شد تا برخی متخصصان اقتصاد صنعت برق به امکان ایجاد رقابت در بخش تولید فکر کنند.

۲) اهداف تجدید ساختار و تشکیل بازار برق

همان طور که اشاره شد بروز مشکلات ناشی از ساختار سابق صنعت برق باعث گردید سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان این صنعت تجدید نظری اساسی در نوع نگاه به این صنعت و چگونگی اداره آن صورت دهند. جدای از مشکلاتی که دلیل اصلی تجدید ساختار بود، تلاش برای ایجاد فضایی جدید که انعطاف پذیری بیشتری داشته و با اهداف کلان اقتصادی نیز هماهنگ باشد، به طور مضاعفی اجرای برنامه های تجدید ساختار را تجویز می کرد. بنا براین به طور کلی اهداف تجدید ساختار را می توان به صورت زیر ذکر کرد:

الف- بهبود فضا و قاعده بازی برای ارتقای کارایی

ب- ایجاد فرصت های شغلی بیشتر

ج- شفاف نمودن و تفکیک بخشهای مختلف از هم

د- ایجاد فضای مناسب برای محوری نمودن علائم اقتصادی در تصمیم سازی

ه- جایگزینی تفکر بنگاهی در صنعت برق به جای تلقی خدمت عمومی از برق

اما نکته قابل توجه اینکه بحث تجدید ساختار و خصوصی سازی دو مقوله متفاوت از هم هستند. در واقع تجدید ساختار می تواند زمینه های خصوصی سازی صحیح را فراهم کند. اهداف خصوصی سازی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

الف) کاهش تصدی دولت و تقویت بعد نظارتی آن با واگذاری امور به بخش خصوصی

ب) کاهش بار مالی دولت و انتقال آن به بخش خصوصی
۳) تغییر تفکر و نوع نگاه به برق:

در واقع برای درک انگیزه های تجدید ساختار و تشکیل بازار برق باید توجه داشت که مدتهای مدیدی این تصور در میان سیاستگذاران و متخصصان صنعت برق کشورهای مختلف نهادینه شده بود که صنعت برق از یک انحصار ذاتی برخوردار است و قابلیت و انعطاف پذیری لازم جهت رقابتی شدن را ندارد. تاسیسات هزینه بر آن باید در تملک دولت باشد و بخش خصوصی در این زمینه نه علاقمندی خواهد داشت و نه حضور آن نتیجه مثبتی! این عقیده در اوایل دهه ۹۰ میلادی با تحولات اولیه صنعت برق کشور انگلستان متزلزل شد [۱] در بخش توزیع نیز که کلیه فعالیت ها از نقطه دریافت برق از شبکه انتقال تا تحویل به مصرف کننده نهایی انحصاری بود، ابتدا بخش خطوط از بخش مشترکین تفکیک شده سپس این بخش - که مشابه بخش انتقال است یا در تملک دولت باقی مانده و یا در برخی کشورها تجهیزات توزیع (با رویکردهای اجرایی متفاوت) به بخش خصوصی واگذار شده اند [۲]. هر چند تجربه و مطالعات انجام شده نشان از عدم تفاوت معنی دار کارایی و کاهش هزینه در واگذاری این شرکت ها به بخش خصوصی دارد. اما حسن این کار فراهم سازی زمینه رقابتی شدن است که معمولاً افزایش کارایی را به دنبال داشته است. در بخش خدمات مشترکین نیز کلیه امور از درخواست مشترک برای اتصال به شبکه برق تا صدور صورتحساب و وصول مطالبات و... توسط شرکت های خرده فروشی انجام می گردد. ۴) الگوهای ساختاری تجربه شده در صنعت برق:

مروری بر تجربیات کشورهای مختلف در صنعت برق (در تمام بخش های آن) نشان می دهد کلیه ساختارهای تجربه شده در این صنعت را می توان در ۴ الگوی مشخص زیر تقسیم بندی کرد.

۱) ساختار ائتلاف عمودی

۲) تمرکز زدایی در بخش توزیع با حفظ انحصار

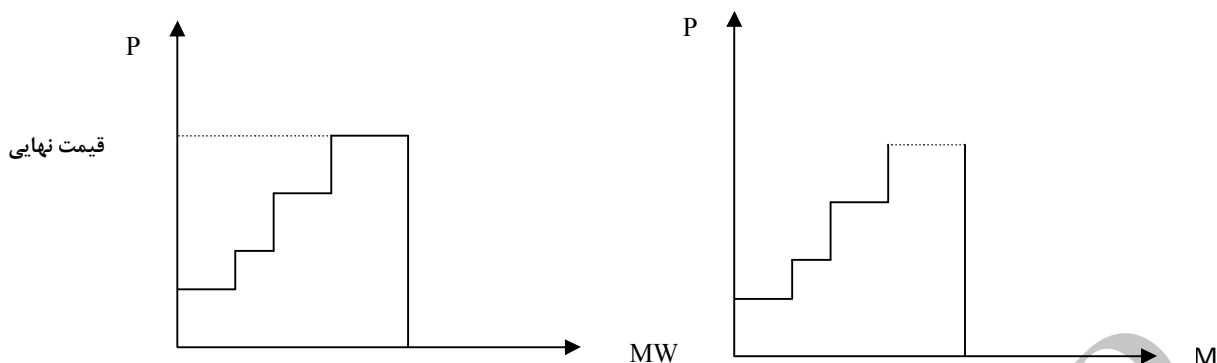
۳) رقابت در تولید

۴) رقابت در توزیع و ایجاد انتقال با دسترسی باز

مروری بر ویژگی های هر ساختار نشان دهنده درجه انعطاف پذیری و قابلیت هر ساختار برای بهبود فعالیتها و کارا نمودن آنهاست. با مروری بر این ساختارها می توان

در واقع ایجاد بازار رقابتی در صنعت برق (در بخشهایی که پتانسیل این کار را دارند) مستلزم گام های زیر است:
الف-بازار رقابتی عمده فروشی در طرف تولید و فروش

به طور ساده دریافت چرا تجدید ساختار در صنعت برق اتفاق افتاده و ساختار مطلوب باید چه ویژگیهایی داشته باشد؟



- برق توسط تولید کنندگان به خریدار واحد
- بازار خرید رقابتی عمده از فروشنده واحد
- ج-بازار خرید و فروش عمده متقابل توسط تولید کنندگان و عرضه کنندگان
- د-بازار خرده فروشی

در ادامه به طور مختصر به هر یک از موارد فوق پرداخته می شود:

-بازار رقابتی عمده فروشی در طرف تولید به خریدار واحد

در این حالت لازم است شرکت مدیریت بازار تشکیل شده که به طور انحصاری برق کلیه تولید کنندگان در بازار را خریداری کند. خرید برق توسط این شرکت از طریق یک مکانیزم رقابتی صورت گرفته که در آن نیروگاههای مختلف برق خود را بر حسب پیشنهاد خود به شرکت فوق می فروشند. قدرت مورد نیاز در این حالت بر اساس بهره برداری اقتصادی تامین شده که تامین این قدرت به ترتیب از ارزان ترین پیشنهاد شروع شده و واحدهای با پیشنهاد گران تر در مراحل بعد وارد مدار می شوند. لیکن نرخ خرید برق از فروشندگان می تواند بر اساس دو مکانیزم زیر تعیین شود:

الف-بهای پرداختی به هر فروشنده بر اساس پیشنهاد خود فروشنده در هر ساعت و قدرت تحویلی وی محاسبه و پرداخت می شود.

ب-بهای پرداختی به هر فروشنده بر اساس قیمت نهایی بازار در هر ساعت و قدرت تحویلی هر فروشنده محاسبه

لازم به ذکر است الگوی چهارم از این الگوها در ادامه تغییراتی را تجربه کرده که گرچه نمی توان حاصل را یک الگوی جدید نامید اما به هر حال تفاوتی نیز با شکل ساده فوق دارد. به عنوان مثال شکل گیری بازار برق هم در سطح خرده فروشی، تشکیل یک بازار مجزا برای خدمات پشتیبان و یا ایجاد بورس برق از تحولات داخلی الگوی چهارم است. گرچه همه این موارد تحت عنوان الگوی چهارم خلاصه شده اند اما به هر حال از مرحله آغازین این الگو تا تکامل آن زمان قابل توجهی صرف شده است.

۵) مقایسه صنعت برق کشورهای مختلف

به طور کلی اجرای برنامه های تجدید ساختار و ایجاد فضایی مناسب برای تشکیل بازار برق در بسیاری از کشورها دنبال شده اما در صد پیشرفت این برنامه ها در کشورهای مختلف متفاوت است. البته درجه موفقیت این برنامه در کشورهای مختلف متفاوت بوده اما این باور عمومی در میان اقتصاددانان صنعت برق مشترک است که اگر برنامه های خصوصی سازی و آزاد سازی توام با نظارت در صنعت برق به درستی پیاده شود، نتایج حاصل از آن می تواند با اعمال مدیریت بهتر و ایجاد انگیزه برای کاهش هزینه ها و ایجاد زمینه مناسب برای رقابت بین فعالین صنعت برق، باعث ارتقای کیفیت و کاهش هزینه ها در صنعت برق شود. [۴].

۶) مراحل تشکیل بازار برق

و پرداخت می شود. شکل (۲) مکانیزم پرداخت در هر یک از این دو حالت را نشان می دهد. البته از آنجایی که قیمت های بازار در هر روز در روزهای بعد اعلام شده و همگی فروشندگان از عملکرد بازار مطلع می شوند، به نظر می رسد حالت اول طی یک دوره زمانی به حالت دوم همگرا باشد لیکن هیچ مطالعه تجربی دقیقی در دست

- بازار خرید عمده از فروشنده واحد

در این حالت و با رفع مشکلاتی مانند یارانه های بین بنگاهی، توزیع کنندگان نیز برق خود را در یک فضای رقابتی و بر اساس پیشنهاد خود از فروشنده واحد خریداری می نمایند. مکانیزم جزیی این کار همانند حالت فوق می باشد

- بازار خرید و فروش عمده متقابل توسط تولید کنندگان و عرضه کنندگان:

در این حالت به تدریج خریدار واحد (با ایجاد زیر ساخت های لازم و تدارک شرایطی که امکان شکست بازار را به حداقل برساند) معاملات بازار را به عوامل مستقیم بازار واگذار می نماید و خریداران و فروشندگان می توانند به طور مستقیم برق خود را مبادله نمایند. انعقاد قراردادهای بلند مدت و توافقی، اعمال رویه پیش خرید و پیش فروش برق و ... در این مرحله نمود پیدا می کند.

- بازار خرده فروشی

در این حالت علاقمندان به فعالیت در صنعت برق می توانند وارد این عرصه شده و هر مشترک (اعم از کوچک یا بزرگ) در هر دوره زمانی (مثلا روز، هفته یا ماه) می تواند عرضه کننده برق خود را انتخاب نماید. با این حال گر چه در برخی کشورها این فرایند اجرا شده و کلیه مشترکین مختار به انتخاب عرضه کننده برق می باشند اما عملا برخی از مشترکین هیچ گاه از این امتیاز استفاده نکرده اند. (۷) آزادسازی مشترکین

همان طور که اشاره شد یکی از ملزومات تشکیل موفق بازار برق و تحقق اهداف تجدید ساختار فراهم نمودن امکان انتخاب عرضه کننده برق همان طور که ملاحظه می گردد در شرایط قبل از تجدید ساختار کلیه فعالیت های عرضه برق به صورت

نیست که این موضوع را تأیید کرده باشد. در این حالت در ابتدای امر خریدار واحد می تواند برق خود را به طور انحصاری به خریداران (شرکت های توزیع) بفروشد. البته اجرای صحیح این فرایند به ابعاد دیگری در صنعت برق (مثلا " یارانه های بین شرکتها) نیز بستگی دارد.

توسط مشترکین است این موضوع تحت عنوان آزاد سازی مشترکین نام گرفته و از آنجایی که اهمیت زیادی در ایجاد فضای رقابتی و موفقیت بازار دارد به طور مختصر به آن پرداخته می شود. در واقع در فضای پیش از تجدید ساختار هر عرضه کننده برق مجبور است از (به عنوان مثال) شرکت انحصاری توزیع برق ناحیه خود برق مورد نیازش را خریداری کند اما در فضای پس از تجدید ساختار یک مشترک واقع در ناحیه تحت پوشش شرکت توزیع الف می تواند برق مورد نیاز را از شرکت توزیع ب خریداری نماید. بنابراین برای ایجاد چنین فضایی باید به تدریج زمینه این کار را از طریق آزاد سازی مشترکین فراهم نمود. تجربه سایر کشورها نشان می دهد این فرایند در ابتدا برای مشترکین بزرگ و سپس برای مشترکین متوسط و کوچک اجرا شده است. در حال حاضر و بر اساس آخرین اطلاعات وضعیت آزاد سازی مشترکین در برخی کشورهای منتخب (اروپایی) به شرح جدول (۱) می باشد [۵].

۸) ارتباط عوامل صنعت برق در حالت وجود بازار

گر چه بازار برق ماهیت صنعت برق را تغییر نمی دهد لیکن تغییراتی اساسی در ارتباط بازیگران عرصه صنعت برق ایجاد می کند. در واقع در صورتی که تجدید ساختار صنعت برق صورت گرفته و متناسب با آن بازار برق نیز ایجاد شود، ارتباط عوامل فعال مختلف صنعت برق در مراحل قبل و بعد از تجدید ساختار را می توان مطابق شکل (۱) ترسیم نمود [۶].

انحصاری و متمرکز انجام می شود لیکن در فضای پس از تجدید ساختار و وجود بازار برق بخش عرضه

به زیر بخشهایی تفکیک می گردد که هر یک وظایف مشخصی را به عهده دارند. نکته ای که در ارتباط با ساختار فوق می توان ذکر کرد الزام توجه به (و یا تدوین) موارد زیر می باشد:

۸-۱- تعریف استانداردهای اتصال به شبکه انتقال و توزیع

۸-۲- تدوین تعرفه های استفاده از شبکه انتقال

۸-۳- تدوین تعرفه های استفاده از شبکه توزیع

۸-۴- شفاف سازی و تفکیک فعالیتهای بخشهای مختلف (تولید، انتقال، توزیع و عرضه خدمات مشترکین))

۸-۵- فراهم سازی مقدمات لازم برای تشکیل نهاد ناظر و تبیین وظایف آن در بخش انتقال و توزیع.

۸-۶- آزاد سازی تدریجی مشترکین و فراهم نمودن بستر قانونی آن و همچنین اتصال آنان به شبکه باتوجه به بند ۱

۹) بازارهای بین المللی و منطقه ای برق

به تدریج که صنعت برق اهمیت خود را در کشورها نشان داد توجه به این بخش نیز بیشتر شد. لیکن حجم سرمایه گذاری های کلان بکار رفته در این صنعت و ناهمواری منحنی بار (تقریباً) در تمام کشورها (که باعث عدم اسفاده بهینه از منابع و سرمایه های این بخش) از طریق تخصیص منابعی که تنها در اوقات پرباری مورد استفاده قرار می گرفتند) می شد. بنابراین همین مسئله باعث شد کشورهای مختلف بر اساس مزیت های نسبی یکدیگر، اختلاف افق و... به فکر استفاده مشترک از پتانسیل های هم بیفتند. این مسئله منجر به بروز پدیده هایی به نام صادرات و واردات برق، مبادله و ترانزیت برق گردید. در ابتدای امر این مبادلات تنها به صورت انحصاری و توسط شرکتهای دولتی صنعت برق و در قالب یادداشت تفاهم بین دولت ها صورت گرفت اما با تجدید ساختار در صنعت برق و گسترش بازار برق به تدریج بازارهای بین کشورها شکل گرفتند. در این بازارها یک تولید کننده در یک

کشور خاص می تواند برق خود را به خریداری در یک کشور دیگر به فروش برساند. به عنوان مثال یک مشترک انگلیسی می تواند برق خود را به طور مستقیم از یک تولید کننده فرانسوی خریداری نماید. لازمه این کار ثبات منطقه، هماهنگی شبکه ها و رعایت استانداردهای قابل قبول طرفین، هماهنگی در اجرای برنامه های تجدید ساختار و... می باشد. لیکن بازار کشورهای اروپایی و بازار کشورهای عربی از جمله بازارهای گسترده بین المللی محسوب می شوند.

۱۰) شکل گیری بازار برق در ایران:

در ایران نیز از چند سال قبل برنامه هایی برای اجرای فرایند تجدید ساختار و ایجاد بازار برق تدارک دیده شده است. لیکن پیشنهاد تشکیل بازار برق در ایران به تغییراتی برمی گردد که در سال ۱۳۸۲ در ساختار برق کشور (تشکیل شرکتهای مادر تخصصی، پیش بینی تشکیل شرکت مدیریت بازار (مدیر شبکه)، تغییر نظام مبادلات و بودجه ای شرکتهای حذف یارانه بین بنگاهی و...) پیش بینی شده بود. در همین راستا دستورالعملی برای خرید و فروش رقابتی برق در بازار توسط شرکت مدیریت بازار (توانیر) تهیه شد که مقدمه ای برای تشکیل بازار برق در ایران است [۷]. گرچه این دستورالعمل محتاط عمل کرده و قیمت ها در آن تنها در یک بازه معین (با تعریف یک نرخ پایه و تعریف ضرابی برای اوقات مختلف و انحراف پیشنهاد نرخ خریداران و فروشندگان در یک بازه معین) شکل خواهند گرفت، اما به هر حال زمینه ای برای ایجاد بازار برق در ایران محسوب می شود. در شرایط فعلی کلیه واحدهای تولید و عرضه دولتی (با مناقشاتی در مورد شرکتهای توزیع برق) بوده و به نظر نمی رسد مکانیزم پیشنهادی در کوتاه مدت تحولی در صنعت برق به وجود بیاورد اما مقدمه مناسبی است که می تواند زمینه را برای تحولات آینده فراهم نماید. در این دستورالعمل بهای پرداختی به تولید کنندگان بر

خود را حفظ کنند، عملاً" ممکن است توسعه پتانسیل تولید و شبکه و بهره برداری بهینه از منابع موجود بر اساس عملکرد بازار صورت نگیرد.

ب- قدرت بازار

در واقع در صورتی که هر یک از تقاضا کنندگان و عرضه کنندگان بازار سهم بزرگی از بازار را به خود اختصاص دهند (در برخی کشورها سهم فوق ۱۵٪ می باشد) به طوری که بتوانند بر عملکرد بازار اثر گذاشته و باعث تغییر و انحراف قیمت های بازار شوند، این موضوع می تواند به شکست بازار منتهی شود.

ج- ذخیره تولید

در صورتی که در بخش تولید (عرضه) به اندازه کافی ذخیره تولید وجود نداشته باشد این امر می تواند به انحراف و شکست بازار منتهی شود.

د- نیروگاههای خاص

برخی نیروگاهها (حتی گاهی اوقات یک نیروگاه کوچک) به واسطه موقعیت خاص خود می توانند در پایداری شبکه نقش بسیار مهمی ایفا نمایند، حال اگر این نیروگاهها در اختیار بخش خصوصی قرار گیرند و مرکز کنترل نتواند اختیار تعیین زمان ورود و خروج آنها را داشته باشد، صاحب این قدرت می تواند از این موقعیت برای انحراف قیمت های بازار استفاده نماید.

ه- تباری

این موضوع که به شکل گیری قدرت بازار برای گروه خاصی منتهی می گردد می تواند باعث انحراف و حتی شکست بازار منتهی گردد.

و- دسترسی منصفانه به شبکه

یکی از ویژگی های هر بازار رقابت کامل امکان ورود و خروج فعالان به این بازار است. در صنعت برق این موضوع باید با تهیه دستورالعمل معینی برای دسترسی بیطرفانه علاقمندان به شبکه دنبال شود. زیرا عدم تهیه یک دستورالعمل منسجم می تواند به ایجاد تبعیض میان فعالان صنعت منتهی گردد.

ز- تعرفه های استفاده از خدمات انتقال و توزیع:

اساس قیمت پیشنهادی و قدرت تحویلی آنان خواهد بود که با اعمال قیمت نهایی بازار و پرداخت بها بر اساس آن به همه تولید کنندگان در یک ساعت معین (نظامی که اکثر کشورها هم اکنون آن را پیاده می کنند) تفاوت دارد. توجیه این امر ایجاد شرایطی برای عدم اختلاف فاحش عملکرد بازار و پیش بینی بودجه می باشد (نوار تعریف شده برای قیمتها نیز به همین دلیل تعریف شده) لیکن در عمل این سیستم همگرا به سیستم پرداخت قیمت نهایی به همه تولید کنندگان در هر ساعت مشخص خواهد بود. نکته حائز اهمیت اینکه ایجاد یک بازار موفق در صنعت برق مستلزم پیاده سازی صحیح گامهای بعدی است که لازم است در آینده اجرا شوند در کنار این موضوع باید موارد مهمی را در نظر داشت که بی توجهی به آنها می تواند به شکست در بازار منتهی گردد. در انتهای این مقاله پیشنهاداتی در همین ارتباط مطرح خواهد شد.

۱۱) موانع شکل گیری و یا انحراف بازار

رقابتی برق

ایجاد بازار رقابتی صحیح در بخش برق علی رغم نتایج بسیار ارزشمند آن می تواند بسیار شکننده بوده و از سوی دیگر نتایج آن (و با فرض عدم پیش بینی و برنامه ریزی صحیح، عدم نظارت مناسب و عدم ایجاد شرایط مساعد برای ورود بخش خصوصی به بازار) می تواند عقیم و یا حتی مخرب باشد. ایالت کالیفرنیا نمونه ای از شکست بازار و مخرب بودن طراحی نامناسب بازار می باشد. در زیر به مواردی که می تواند باعث انحراف یا شکست بازار شود اشاره می شود.

الف- ذینفع بودن بهره بردار مستقل سیستم و بازار از مبادلات

در واقع در ابتدای امر لازم است نهادهایی (شرکتی) مسئولیت هماهنگی عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان (خریداران و فروشندگان عمده) را به عهده داشته باشند. حال اگر این نهادها نتوانند بی طرفی

تدوین تعرفه های استفاده از خدمات انتقال و توزیع می تواند باعث شفاف شدن مبادلات شده و تولیدکنندگان و عرضه کنندگان می دانند در صورت استفاده از بخشهای انتقال و توزیع برای جابجایی انرژی و قدرت مورد نیاز چه مبلغی باید به شبکه بپردازند. این موضوع در تصمیم گیری خریداران برای انتخاب فروشنده برق بسیار حائز اهمیت است.

ح- بازیابی مستمر بر عملکرد بازار:

طبیعی است در صورتی که مکانیزم بازار به طور مستقیم و دقیق دنبال نشود تشخیص یک مشکل تنها می تواند پس از فروپاشی بازار صورت گیرد. البته نکات دیگری را نیز می توان ذکر کرد که مواد فوق از اهم آنها انتخاب شده اند.

۱۲) نتیجه گیری و برخی پیشنهادات:

در واقع باید اذعان کرد شبیه سازی و پیاده سازی تجربه دیگران در عرصه صنعت برق و بدین ترتیب تشکیل بازار برق، امری بسیار ساده است. اما پاسخ به این سؤال که آیا ایجاد بازار برق با چنین زمینه ای می تواند پیامدهای مثبت تجربه شده در صنعت برق برخی کشورها را به دنبال داشته باشد؟ بسیار پیچیده تر از طرح آن است!

این گفته که تجدید ساختار و حتی ایجاد بازار عمده فروشی برق لزوماً مستلزم خصوصی سازی نیست کاملاً منطقی است اما این سؤال نیز که با تغییر قاعده بازی برای بازیگرانی که همگی دولتی بوده و انتفاع چندانی از بهینه سازی رفتار خود نمی برند، چقدر به بهبود و حصول اهداف تشکیل بازار و ایجاد فضای رقابتی منتهی خواهد شد؟ منطقی بوده و باید پاسخ صحیحی برای آن تدارک دید.

در واقع و به طور خلاصه می توان پیشنهاد کرد:

الف- تجدید ساختار (و ایجاد بازار برق) لزوماً مترادف با خصوصی سازی نیست لیکن خصوصی سازی (به شکل صحیح) مرحله تکمیلی حصول اهداف تجدید ساختار و تشکیل بازار برق است.

ب- برای اجرای صحیح پروسه فوق لازم است برنامه ای استراتژیک و مبتنی بر پیش فرضهای صحیح تدوین گردد.

ج- خصوصی سازی برای استفاده از مزیت های این بخش توجیه کننده اعطای امتیازات انحصاری به بخش خصوصی نیست زیرا این موضوع خود خطری بزرگ و تهدید کننده اهداف مثبت ایجاد فضای رقابتی در صنعت برق است.

د- فروش نیروگاه ها به بخش خصوصی که مجلس شورای اسلامی نیز بر آن تاکید کرده باید آگاهانه و با شناخت انجام شود. در این میان دو نکته حائز اهمیت است. اول از فروش بیش از درصد معینی (مثلاً ۱۰ درصد) از پتانسیل ها به یک خریدار خاص یا شرکتهایی که به نظر می رسد مجزا هستند ولی با کنکاش می توان به جدایی ساختگی آنها پی برد اجتناب شده و دوم از فروش نیروگاههای حساس به بخش خصوصی (تا زمانی که ذخیره تولید مطمئنی در اختیار نباشد) اجتناب گردد.

ه- ساز و کاری دقیق برای بازیابی بازار برق تدوین شده و شاخص هایی برای تشخیص قدرت بازار (از هم اکنون) تدوین شود. یکی از ملاکهای استفاده شده در این زمینه شاخص هزینه نهایی صنعت برق است.

و- علاوه بر این که بهره بردار مستقل سیستم و شرکت مدیریت بازار (مدیر شبکه) باید از هم تفکیک شوند، این دو نباید در مبالغت بازار ذینفع باشند. بنابراین باید در برنامه استراتژیک فوق تکلیف این دو و حدود اختیارات و وظایف آنها به صراحت روشن شود.

ز- تدوین مکانیزمی برای دسترسی باز (بیطرفانه) به شبکه برق و استخراج تعرفه های استفاده از شبکه های انتقال و توزیع ضروری است.

فهرست منابع:

صنعت برق ایران"، در نوبت چاپ مجله صنعت
برق

ENEL, [5] Some European Company (EDF
Electricity Market Liberalisation (...)",
2002, July, Schedual by Country"

"The Delpero & Piergiorgio Berra, [6] Marco
New Electricity Tariff System in
Electricity Ministry of Italy"
www.telmark.org, Italy

[۷] دستورالعمل خرید و فروش برق توسط شرکت
مدیریت شبکه، وزارت نیرو تیر ۱۳۸۲

"Privatisation in The U.K. 1979-,[1] John Key
Research Assistance by Robert, 1999"
Metz WWW.JOHNKEY.COM
2001, London

"Privatization of [2]-Ministry of Energy
Electricity Distribution in
a summary ELSALVADOR"
2001, report
http://www.saprin.org/elsalvador/research/els_sum_privatization.pdf

john E. Besat and [3]-Achilles G. Adamantiadis
" power sector Reform, Mangesh Hoskote
in Developing Country and the role of the
paper presented at the 6th world Bank"
congress of the world Energy concil
1995, October 8-13, Tokyo

[۴] حیدری کیومرث، "مروری بر ساختارهای تجربه
شده در صنعت برق با نگاهی بر ساختار فعلی

Archive of SID